

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۱/۳۰

نویسنده: بهادرا کومار

مترجم: رسول رحیم

نگاهی به نتایج گفت وگوهای محرمانه غرب با طالبان در اسلو

غرب با طالبان همکاری می کند

منبع: اندین پنچ لاین ۲۴ جنوری ۲۰۲۲



نشست عقب درهای بسته سه روزه در اسلو از ۲۳ تا ۲۵ جنوری جهت تعامل یک گروه اصلی دیپلمات های غربی با مقامات طالبان مرحله جدیدی را در وضعیت سیاسی افغانستان نشانی می کند. غرب توسط ایالات متحد امریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه و ایتالیا و همچنان اتحادیه اروپا نمایندگی می شد.

ناروی به طور منحصر به فردی جایگاه آشتی برای جناح های از خود بیگانه شده است. ناروی قطع نظر از سیستم اطلاعاتی قوی اش در افغانستان، در دیپلماسی بین المللی جایگاهی برایش در صحنه های مختلف منازعه مانند موزامبیک، ونزیویلا، کولمبیا، فلپین، اسرائیل و قلمرو های فلسطینی ها، سوریه، میانمار، سومالیا، سریلانکا و سودان جنوبی ایجاد کرده است.

«سی آی ای» یا سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحد امریکا و «ام آی ۶» یا سازمان استخبارات بریتانیا در نبود یک ایستگاه فعال اطلاعاتی در افغانستان وابسته به معلومات «شورای پناه جویان نارویژی» می باشند که شبکه گسترده ای مشتمل از هزاران کارمند ساحوی می باشد. شورای پناه جویان نارویژی در طول سال ها روابط کاری دلخواه را با طالبان حفظ کرده است.

در این مذاکرات مخفی و عقب درهای بسته که در هتل «سوریا موری» واقع بر فراز تپه های پوشیده از برف که در بین جنگل ها محصور بوده و در بیرون از شهر اسلو قرار دارد، این هتل قبلاً آسایشگاهی برای روان های زخمی و بدن های خسته بود. یان اگیلند دبیر کل شورای پناه جویان نارویژی حضور داشت.

اظهارات اگیلند به رسانه ها شاید بهترین بینش را در مورد آنچه بدهد که در هتل محصور به برف سوریا موری یعنی جایی اتفاق افتاد که هیات طالبان و دیپلمات های غربی سه روز را باهم در خلوت تام سپری کرده اند. اگیلند قاطعانه گفت:

«تحریم ها ما را عقب نگاه می دارد. ما نمی توانیم جان ها را بدون لغو تحریم ها نجات بدهیم. این تحریم ها به عین مردمی آسیب می رساند که ناتو تا ماه اگست میلیارد ها دالر را برای دفاع شان هزینه کرده است»

«ما باید با آن کسانی صحبت کنیم که کنترل آن کشورهایی را در دست دارند که مردم نیازمند به کمک در آنجا وجود دارند. ما با کسانی صحبت کنیم که برای ما نجات جان ها را ممکن گردانند، ما در همه جا چنین می

کنیم. این ها مقامات واقعی در یک کشور اند. و آن ها می بینند که چه گونه اقتصاد اکنون ورشکسته می شود و نیاز فراوان به آوردن کمک از کشورهای غربی می باشد»

اگیلند دعوت به این گفت و گو را «گامی در جهت درست» خواند. انگیزه این مذاکرات وخامت وضعیت بشری در افغانستان و پاسخ دستجمعی غرب به آن بود. با اینهم، چنین میزبانی مجلل و فرستادن یک هواپیمای جت شخصی به کابل برای آوردن مقامات طالبان و تعامل با طالبان در پایتخت یک کشور غربی، مطمئناً خشم و اعتراض را بر می انگیزد.

بنابراین، وضعیت حقوق بشر نیز در این گفت و گوها رقم خورد. برای مدتی صحبت های عمومی این بود که همزمان با جشن نوروز در ۲۰ مارچ (اول حمل)، طالبان جهت سازگاری نشان دادن با خواست های فعالان حقوق بشر در ارتباط با حقوق زنان و دوشیزگان اعلامیه ای صادر نمایند.

به همین ترتیب مساله آزار دهنده یک «حکومت فراگیر» در افغانستان می باشد که طالبان وعده آن را داده بودن. بار دیگر میزبان نارویژی یک نشست جداگانه را برای «نمایندگان جامعه مدنی افغانستان» ترتیب داد.

هفت نفر منتخب عبارت بودند از سید اسحاق گیلانی، هلال الدین هلال، عبدالکریم خرم، جعفر مهدوی، امین احمد، اسماعیل غضنفر و خان آقا زیارمل. به طور خلاصه سیاستمداران مجرب افغان و چهره هایی از حکومت غنی به سود اشخاص با تمایلات جانبدارانه از غرب دور زده شدند.

جالب است که دو تصمیم گیرنده مهم عقب صحنه در کابل یعنی حامد کرزی رئیس جمهور پیشین و عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت پیشین، از مراسم اوسلو فاصله گرفتند.

تعامل بین طالبان و «هفت تن انتخاب شده» با اعلامیه مشترکی پایان یافت که در آن امیدواری و تصمیم به «همکاری برای رسیدن به نتایج بهتر سیاسی، اقتصادی و امنیتی در کشور» ابراز شده است.

بدون تردید اولویت طالبان در تحقق اهداف دوگانه شان یعنی برطرف کردن تحریم های غربی علیه رهبران شان و به رسمیت شناختن بین المللی حکومت شان نهفته است. این قابل تصور است که هیات طالبان به ریاست امیرخان متقی وزیر خارجه سرپرست طالبان و دیپلمات های غربی (که شامل توماس ویست نماینده خاص ایالات متحد امریکا می باشد) در این ارتباط تبادل نظر مشروحي داشته اند. متقی ابراز خرسندی نمود که: «ناروی برای ما این فرصت را فراهم ساخت و این به ذات خود یک دستاورد می باشد، زیرا ما آن را با جهان شریک ساختیم.»

تمام آنچه بانو هوتیفیلد وزیرخارجه ناروی می گفت عبارت بود از: «نشست اینجا در اوسلو فرصت خوبی را برای کشورهای غربی فراهم ساخت تا آنچه را از طالبان می خواهند واضح گردانند. هرگاه ما می خواهیم به مردم کمک نماییم و جلو بدتر شدن بحران بشری را بگیریم، ما باید با مقامات بالفعل در کشور گفت و گو نماییم.»

بانو وزیر گفت که «ارزش ها و سیاست های طالبان نسبت به ارزش ها و سیاست های ما بسیار فرق دارند. اما ما باید با جهان چنان که هست کار بکنیم. ما معتقدیم که چنین نوع صحبت کردن با طالبان مهم است.»

اما بانو هوتی فیلد تاکید نمود که: «اجازه بدهید تاکید نمایم فراهم ساختن چنین تسهیلاتی برای گفت و گوها به هیچ صورت نمایندگی از مشروعیت دادن به مقامات بالفعل افغانستان نیست... ما می دانیم که طالبان فعالانه از منافع خود شان دفاع می کنند... و در پی کسب مشروعیت اند... ما خواست های روشنی را مطرح نمودیم و اکنون ما باید انتظار بکشیم و ببینیم که آیا آن ها بدانچه گفته اند، وفادار هستند.»

به گفته هوتی فیلد «رو در رو، در یک مکان محفوظ به آن ها پیام روشنی داده شد که مشروعیت باید از جانب خود افغان ها باشد و این مستلزم آشتی و یک شکل فراگیر تر حکومت ... آشتی بین خود افغان ها و ایجاد یک چارچوب برای افزایش تعامل غرب با طالبان مستلزم زمان است و وابسته به اشخاص بسیار بیشتر از آنچه می باشد که در این اتاق جلسه در اسلو بود. اما این گفت و گوها یک تاثیر موج وار خواهد داشت ... آن ها نقاط تماس ایجاد می کنند.»

مطابق به گزارش ها، دیپلمات های غربی «تقاضای ملموسی» را فرا روی طالبان قرار داده اند. «آن را دنبال می کنند و می بینند که آیا طالبان بدان عمل کرده اند؟»

تصویر بزرگ در اینجا چیست؟ در یک سطح بسیار مریی آن واشنگتن بنا به پسمنظر رقابت اش با روسیه و چین، یک احساس فوریت تازه نسبت به افغانستان می نماید. مشغولیت روسیه و چین با اوکراین و بازی های المپیک زمستانی برای ترتیب برنامه ریزی این مراسم در اسلو مفید بود.

در واقع برهم خوردن اخیر روابط بین پاکستان و افغانستان فرصتی را برای غرب فراهم ساخت تا در یک محل فارغ از مداخله پاکستان با طالبان داخل تعامل شود. و سرانجام فارمتی در این گفت و گوها به وجود آمد که کشورهای منطقه را کاملاً دور زد.

اما بعدش تنها کشورهای منطقه را باید متهم نمود. آن ها دست آزادی برای اعمال نفوذ در حکومت طالبان داشتند، اما به غوغا ادامه دادند و فاقد هدف واحدی بودند. به طور خالص قدرت های غربی به جای کشورهای منطقه این خلا را اشغال نمودند.

این امر پیامدهایی دارد. واضحا ایالات متحد امریکا نمی خواهد طالبان به سمت مسکو یا بیجنگ بروند. برای این منظور می خواهد از طریق سازمان های غیر دولتی غربی، گروه های کمک های بشری و نمایندگی سازمان های بین المللی حضور موثری در افغانستان داشته باشد.

واشنگتن امیدوار است در دوره ای که در پیشرو قرار دارد، با کاهش فزاینده فشارش بر طالبان از سیاست هایش استفاده نکند. واشنگتن اکنون دست بازی برای استفاده از ابزار سیاسی، اقتصادی و بین المللی دارد تا حکومت طالبان را برای اجرای امور سرپا نگه دارد. این به سود واشنگتن نیست که کدام کشور منطقه بر افغانستان مسلط گردد.

به عبارت دیگر ، کمک مالی و بشری به افغانستان به حیث یک ابزار طوری مورد استفاده قرار می گیرد که حکومت طالبان بتواند برسر قدرت بماند، بدون این که به سمت همسایگانش برود. البته طالبان همیشه آرزو داشتند تا روابطشان را با ایالات متحد امریکا عادی بسازند و قابل مدیریت باشد.

در واقع چنین ستراتیژی ای تصمیم گیری برای همسایگان را که چه بکنند دشوار تر می گرداند. سیاست بسیار معقول برای همسایگان این خواهد بود که به یک راهیافت هم آهنگ شده برای به رسمیت شناختن طالبان برسند. پاکستان بسیار کوشید تا بر روسیه و ایران غلبه یابد . اما چنان که نشست اوسلو نشان داد، امروز این یک نکته بحث انگیز است.